

## The Application of Imprisonment in Islamic Sharia with a Protective and Educational Approach

### ARTICLE INFO

#### Article Type

Research Article

#### Authors

Mohammad Yousef Hasani<sup>1</sup>

Kiyomars Kalantari<sup>2</sup>

Ali Akbar Esmaili<sup>3</sup>

#### How to cite this article

Mohammad Yousef Hasani, Kiyomars Kalantari, Ali Akbar Esmaili, The Application of Imprisonment in Islamic Sharia with a Protective and Educational Approach, *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*. 2022;6(1):866-873.

1. PhD student, Department of Criminal Law and Criminology, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

2. Professor, Department of Law, Mazandaran University, Babolsar, Iran (Corresponding Author).

3. Assistant Professor, Department of Law, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

#### \* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: kalantar@nit.ac.ir

#### Article History

Received: 2022/02/20

Accepted: 2022/05/03

### ABSTRACT

**Purpose:** The purpose of compiling this research is to examine the use of imprisonment in accordance with Islamic Sharia. In Islamic Sharia, prison is not considered the main punishment, but it is used only in exceptional cases to prevent possible losses caused by crime to the society.

**Materials and Methods:** Due to the importance of this issue, this research was done in a descriptive-analytical way.

**Findings:** The findings indicate that punishments in Islamic Sharia never exceed the amount of necessity and need to ensure the welfare of the society. The function of imprisonment as a means of keeping the danger away for some people is quite evident in the Islamic jurisprudence system, although the reformative approach to criminals is more symbolic in it. According to the majority of jurists, imprisonment can be used only in four cases. First, the person who held a person and the other person killed him, secondly, the person who stole for the third time and was charged twice, thirdly, the person who ordered the murder of another person and killed his agent, and fourthly. An apostate woman if she does not repent of her apostasy. The similarity of these punishments is their eternal imprisonment.

**Conclusion:** The purpose of imprisonment in Islamic law is to reform people, prevent them from committing sins and crimes, and motivate them to obey God and obey the law.

**Keywords:** Imamiyyah Jurisprudence, Imprisonment, Crime, De-Imprisonment, Ta'zir

## کاربرد حبس در شریعت اسلام با رویکرد تأمینی و

## تربیتی

محمدیوسف حسنی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

کیومرث کلانتری<sup>۲</sup>

استاد، گروه حقوق، دانشگاه مازنداران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول).

علی اکبر اسمعیلی<sup>۳</sup>

استادیار، گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

## چکیده

**هدف:** هدف از تدوین این تحقیق بررسی کاربرد حبس مطابق با شریعت اسلام است. در شریعت اسلام زندان مجازات اصلی محسوب نمی‌شود بلکه تنها در موارد استثنایی برای جلوگیری از ضرر و زیان‌های احتمالی ناشی از جرم به جامعه مورد استفاده قرار گرفته است.

**مواد و روش‌ها:** با توجه به اهمیت این موضوع، این تحقیق به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شد.

**یافته‌ها:** یافته‌ها بیانگر این است که مجازات‌ها در شریعت اسلامی هرگز از مقدار ضرورت و نیاز در تأمین مصلحت جامعه تجاوز نمی‌کنند. کارکرد حبس به عنوان وسیله‌ای برای دور نگه داشتن خطر برای برخی از افراد در نظام فقهی اسلام کاملاً مشهود است که البته رویکرد اصلاحی به مجرمان در آن نمود بیشتری دارد. طبق نظر اکثر فقها مجازات حبس را تنها در چهار مورد می‌توان به کار گرفت. اولاً کسی که فردی را نگه داشته و دیگری او را کشته است، ثانیاً کسی که برای بار سوم دزدی کرده است و دو بار حد سرقت بر او جاری شده است، ثالثاً کسی که فرمان به قتل دیگری داده و مأمور او را کشته است و رابعاً زن مرتد در صورتی که از ارتداد خود توبه نکند. وجه تشابه این مجازات‌ها حبس ابد بودن آن‌ها است.

**نتیجه‌گیری:** هدف از مجازات حبس در شریعت اسلام، اصلاح آدمیان، بازداشتن ایشان از ارتکاب گناهان و جرایم و برانگیختن آنان به اطاعت از خداوند و فرمانبرداری از قانون است.

**واژه‌های کلیدی:** فقه امامیه، حبس، جرم، حبس زدایی، تعزیر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۳

\*نویسنده مسئول: kalantar@nit.ac.ir

## مقدمه

در دین مبین اسلام و فقه جزایی، موضوع حبس و زندان دارای سابقه طولانی می‌باشد، به طوری که روایات متعددی از امامان معصوم علیه السلام، در مورد حبس و زندان وجود دارد که چه به عنوان ابزاری برای پرداخت حقوق طلبکاران و یا به عنوان یک مجازات مورد استفاده قرار گرفته است. اما آنچه باید توجه شود این است که این مجازات در تاریخ اسلام برای اصلاح فرد و جامعه و پرداخت حقوق به ناحق پرداخت نشده طلبکار می‌باشد و نه برای انتقام و سرکوب کردن افراد خطرناک، از این رو دین مبین اسلام همواره نظر بر اصلاح نوع بشر به طور کلی و در این نظرگاه، دید کاملاً دلسوزانه نسبت به جامعه اسلامی دارد. بر این اساس، مطالعه در منابع فقهی نشان می‌دهد مجازات زندان، یکی از کیفرهایی است که به صورت خیلی محدود در شریعت اسلامی و آن هم در جهت اصلاح مجرمین با رویکرد پیشگیرانه مورد استفاده قرار می‌گرفته است و غیر از حدود الهی که مجازات‌هایی با مدت‌های معلوم بوده از مجازات زندان استفاده نمی‌شده است. لذا استفاده از مجازات زندان در شریعت؛ از یک سو، مبتنی بر ملاک‌های مشخص بوده که هدف از آن استفاده محدود از مجازات زندان بوده و از سوی دیگر فلسفه مجازات در اسلام دور کردن افراد خطرناک از جامعه و تأمین اهداف اصلاحی و تربیتی بوده است. بنابراین در شریعت اسلام، مجازات زندان به عنوان یکی از مصادیق تعزیر، اقدامی تربیتی بوده که به دنبال تأمین اهداف اصلاحی و پیشگیرانه است و چنانچه در مواردی که ضرورت ایجاب نموده از مجازات حبس به عنوان وسیله‌ای جهت دور نگه داشتن افراد خطرناک از جامعه استفاده شده است. به همین علت است که حقوقدانان معاصر بر خلاف گذشته در صدد راهی برای محدود کردن و حذف این مجازات از چرخه مجازات‌ها شده‌اند که می‌توان جنبش حبس زدایی در سطح بین‌المللی و داخلی را در این راستا دانست (۱).

در قوانین جزایی ایران، محدود کردن حبس، مورد توجه مسئولان قرار گرفته و اقداماتی در راستای کاهش جمعیت کیفری کشوری و استفاده از جایگزین‌های مجازات حبس صورت گرفته است اما هنوز به طور کامل محقق نشده و به اهداف تعیین شده دست نیافته است. چراکه جنبه بازدارندگی و اصلاح مجرمین بسیار کم رنگ به نظر می‌رسد و با وجود مجرمان خطرناک در کنار یکدیگر، محکومان مالی و مجرمان بدون سابقه و غیره، تحقق هدف اصلاح و تربیت و بازپروری مجرم را غیرممکن می‌سازد. با توجه به این مطالب این سوال به ذهن می‌رسد که به طور کلی حبس در شریعت اسلام چه جایگاهی دارد؟ با توجه به اهداف اصلاحی و تربیتی مجازات در شریعت اسلام و استفاده از مجازات حبس در مواقع ضروری و به طور محدود؛ چرا این رویکرد کمتر مورد توجه قانونگذاران قرار گرفته است؟ آموزه‌های دینی قطعاً راهگشای بسیاری از مسائل حقوقی در جامعه هستند که می‌توان آن‌را منشأ و منبع اتخاذ تصمیمات حقوقی خصوصاً در حوزه حقوق کیفری قرار داد. لذا توجه به حقوق کیفری در شریعت اسلام در کشورهای اسلامی نظیر ایران اهمیت اساسی دارد. با توجه به اهمیت این موضوع این مقاله موضوع حبس و کارکرد آن را در شریعت اسلام مورد بررسی قرار داده است. لذا ابتدا به برخی مفاهیم مرتبط با

موضوع پرداخته و سپس کارکرد حبس در اسلام مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۱. مفهوم جرم

جرم در لغت به معنای گناه، جناح و عصیان آمده (۲) و در ادبیات نیز بیشتر به معنای اول، یعنی گناه، خطا و بزه؛ (۳)، مورد توجه قرار گرفته است. از یک دیدگاه کلی جرم عبارت است از رفتاری که مخالف نظم اجتماعی که مرتکب آن را در معرض مجازات و اقدامات تأمینی (تربیتی، مراقبتی و درمانی) قرار می‌دهد. در واقع جرم رفتار مخالف نظم اجتماعی یک انسان علیه جامعه است (۴). به جهت اینکه جامعه نمی‌تواند علیه هر فردی که دارای حالت خطرناک است عکس العمل نشان دهد، لذا قانونگذار برای تعیین اعمالی که مستلزم اعمال کیفر است مداخله می‌کند.

از نظر حقوقی و قضایی پدیده جزایی یا جرم مبتنی بر رفتاری است مخالف نظم اجتماعی که قانون آن را پیش بینی و مستوجب کیفر دانسته و اعمال یک مجازات یا اقدام تأمینی را نسبت به مرتکب آن تجویز نموده است. در اصل قانوناً به موجب ماده ۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود. در واقع در مفهوم حقوقی و قضایی، پدیده جزایی یا جرم مبتنی بر رفتاری است که از طرفی مخالف نظم اجتماعی است و از طرفی دیگر باید این رفتار را در قانون جزا پیش بینی و مستوجب کیفر قانونی باشد. بنابراین تا وقتی رفتار غیرعادی و زیان آور شخص به اجتماع با متون قانونی منطبق نباشد مرتکب قابل تعقیب نیست. بدین ترتیب در مفهوم حقوقی و قضایی که بر مبنای اصل قانونی بودن جرم و مجازات است، حقوق و آزادی های فردی در برابر جامعه بهتر حمایت می‌شود. در مفهوم واقعی جرم، ماهیت و خطر اجتماعی اشخاص در معرض خطر ارتکاب جرم مطرح است نه شدت و اهمیت جرمی معین. بنابراین اتخاذ تدابیر فردی و اجتماعی نسبت به کسانی که در آینده احتمال ارتکاب جرم در آنان می‌رود مطرح است تا با پیش بینی تدابیری بر اساس میزان و درجه حالت خطرناک مجرم، جامعه از خطر بزهکاران در امان بماند (۵). بر این اساس طبق ماده ۵۷۵ ق.م.ا. تعزیرات ۱۳۷۵، «هرگاه مقامات قضایی یا دیگر مامورین ذیصلاح بر خلاف قانون توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزایی یا قرار مجرمیت کسی را صادر نمایند به انفسال دایم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد». در مجموع حقوقدانان از جرم تعاریف متعددی ارائه کرده اند (۵ و ۴)؛ و در کشورهای چون ایران که مبنای فقهی نیز در حقوق به طور عام و در حقوق جزا به شکل خاص عیناً وارد شده است، تعاریفی از جرم توسط فقها به عمل آمده که دیدگاه شرع و فلسفه قانونگذاری شارع در آن مد نظر قرار گرفته است.

جرم در زبان قرآن و به تبع آن در فقه اسلامی، عبارت است از انجام دادن فعل یا گفتن قولی است که شارع مقدس آنرا منع کرده است. به عبارت دیگر افعال و اقوالی جرم تلقی می‌شوند که مغایر با احکام یا اوامر و نواهی باری تعالی باشند به طوری که در آیه دوازدهم سوره مائده «بجرمنکم» به معنای کارهای زشت و ناپسند وارد شده است و نیز لفظ «مجرمین» در آیه چهل و هشتم از سوره قمر نیز ناظر به اعمال و رفتار زشت کسانی است که در گمراهی

به سر می‌برند. همین معنا را می‌توان از آیاتی که در باب انواع جرایم مشمول است قصاص نفس، قصاص عضو، دیه، حد زنا، حد قذف، حد سرقت در قرآن کریم وارد شده است استشهاد نمود (۶)

برخی فقها، جرم را در معنای عام آن مورد توجه قرار داده و آن را شامل هر فعل حرام یا ترک واجب قابل مجازات دانسته‌اند. منتها شرطی را که قائل شده‌اند این است که لفظ جرم را برای گناهان کبیره استعمال کرده است به طوری که می‌گویند: «هر کس یکی از واجبات را ترک کند و یا یکی از محرمات را انجام دهد به امام (ع) یا نائب اوست وی را به کیفر تعزیر برساند به شرطی که فعل حرام از گناهان کبیره باشد» (۷). بنابر تعریفی که از جرم در کنفرانس اجرای حقوق کیفر اسلامی و اثر آن در مبارزه با جرایم به عمل آمده است؛ «جرم مخالف با اوامر و نواهی کتاب و سنت، یا ارتکاب عملی است که به تباهی فرد و جامعه بیانجامد، هر جرمی را کیفری است که شارع بدان تصریح کرده و یا اختیار آن را به ولی امر یا قاضی سپرده است» (۸)

فقههای اسلامی سعی کرده اند که تا با توجه به منابع استنباط احکام، تعریف مشخصی از جرم ارائه دهند. اما غالباً جرم برحسب مجازات مشخص شده است. مثلاً یکی از فقههای شافعی تعریفی بدین شکل از جرم داده است: «ممنوعیت های قانونی که از طرف خداوند مقرر شده و مجازات آنها حد یا تعزیر است» (۴) الماوردی در کتاب احکام السلطانیه در تعریف جرم گفته است: «جرم امور ممنوع شرعی است که خداوند بوسیله اجرای کیفر حد یا تعزیر مردم را از ارتکاب آن باز می‌دارد» (۹). امام خمینی (ره) نیز جرم را در معنای عام آن مورد توجه قرار می‌دهد و آن را شامل هر فعل یا ترک واجب قابل مجازات دانسته اند و اضافه فرمودند که هرگاه یا جرمی مستلزم کیفری دنیوی از قبیل حد، تعزیر، قصاص یا دیه و میان گناهان کبیره و جرایم تعزیری فرقی وجود ندارد بلکه تعزیر سبک تر از حد است و با نظر حاکم شرع و ولی امر و فقیه تعیین می‌شود (۷)

#### ۲. مفهوم حبس

در فرهنگ معین؛ حبس به معنای زندانی کردن و بازداشتن و همچنین بازداشت؛ زندان و حبس آمده است (۲) در فرهنگ دهخدا نیز در تعریف زندان آمده است؛ بندی خانه؛ محبس و سجن؛ جایی که محکومان و متهمین را در آن نگاه می‌دارند (۳). مترادف واژه ی حبس؛ واژه هایی از قبیل زندان؛ سجن؛ وقف؛ امساک؛ حصر و ..... نیز وجود دارد، با تامل در معانی لغوی واژه ی حبس؛ می‌توان دریافت که زندان؛ اغلب در معنای مکان برای نگهداری مجرمین و متهمین منظور نظر است و حبس؛ به عنوان کیفر سالب آزادی مورد توجه قرار گرفته شده است و به طور کلی لفظ حبس به معنای منع و محدود ساختن شخص و جلوگیری از رفت و آمد و تصرفات آزادانه ی او می‌باشد. معنای اصطلاحی حبس که مطمع نظر این نگارش می‌باشد؛ زندانی کردن به عنوان کیفر و مجازات شخص می‌باشد و چون فردی که به زندان می‌افتد در واقع از او سلب آزادی شده است در نتیجه؛ معنای اصطلاحی از معنای لغوی گرفته شده است.

در ادبیات کیفری دو لفظ زندان و حبس برای نشان دادن مفهوم مجازات سالب آزادی به عنوان مجازات بیش از همه مرسوم است.

از طریق دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد و این است آئین استوار حق و لیکن مردم از حقیقت آن آگاه نیستند». مفسران در تفسیر آیه یاد شده چنین مرقوم داشته اند: «انسان را خلقت و فطرت خاصی است که او را به روش خاص در زندگی سوق می دهد و به راه معنی که دارای هدف مشخصی است هدایت می کند و انسان فقط باید همین راه را بیبماید و این معنی سخن خداوند متعال است که می فرماید «فطره الله التي قطر الناس علیها»، و انسانی که در این عالم زندگی می کند فقط یک نوع است و با توجه به ساخت ترکیبی انسان ها از روح و بدن، آنها با هم اختلافی ندارند و آنچه به آنها زیان وارد می سازد و یا سود آنها است، و سعادت و شقاوت یا خوشبختی و بدبختی انسان ها از آن جهت که انسان از آن جهت که انسان هستند، یک است. پس ناگزیر باید جهت رفتار آنها یک روش ثابت و یگانه ای باشد که آنها را به سوی آن روش راهنمایی کند» (۱۲). بر این موضوع حتی متفکران غربی نیز اذعان دارند. جرج برنارد شاو<sup>۱</sup>، دانشمند و نویسنده انگلیسی معتقد است: «علت دیگری که اسلام را مورد قبول عموم قرار داده است، طرفداری جدی آن از حقوق انسانهاست. اسلام در این قسمت آن قدر قوی است که نظری برای آن متصور نمی باشد. نه روم و یونان قدیم و نه ممالک پیشرفته امروز اروپا و آمریکا نمی توانند در این جهت با اسلام برابری کنند. من پیش بینی می کنم و از هم اکنون آثار آن پدیدار است که ایمان محمد (ص) مورد قبول اروپای فردا خواهد بود. اسلام تنها دینی است که استعداد توافق و تسلط بر حالات گوناگون و صور متغیر زندگی و مواجهه با قرون مختلف را دارد. هر قدر دنیا در راه ترقی گام بردارد و به هر اندازه که بشر در راه علم و فلسفه پیشروی کند باز اسلام جلوتر است» (۱۳).

ب) رویکرد خاص

از مجموع آیات و روایات این امر آشکار می شود که اسلام نگاه متفاوتی نسبت به حقوق فرد و جامعه دارد. به طوری که در مباحث پیشین گفته شد، حقوقدانان فردگرا اصل را بر آزادی فردی و تقدم منافع او قرار داده اند و معتقدند حقوق در درجه اول باید منافع و نیازهای فردی را تأمین کند و بدین جهت جرم انگاری نیز در چهارچوب حمایت از حقوق فردی و بازداشتن دیگران از تعرض به آن موجه شناخت می شود. در مقابل رویکردهای جمع گرا نیز جهت گیری حقوق و مقررات کیفری را به سوی تأمین نیازهای اجتماعی و عمومی می دانستند و به خاطر آن پاره ای از رفتارها را مجرمانه اعلام کرده اند که ممکن است هیچ آسیبی به منافع افراد به دنبال نداشته باشد. اما نظام حقوقی اسلام با اتخاذ رویکردی بینابین معتقد است سرنوشت، حقوق و سعادت فرد و اجتماع با یکدیگر پیوند متقابلی دارد و تحقق مصالح هر یک بدن در نظر گرفتن دیگری امکان پذیر نیست. بنابراین، در چهارچوب نظریه «مصلح - حقوق» خود را مقید به مراعات و حمایت از نیازهای فردی و اجتماعی می داند. با فرض اینکه رویکرد نظام حقوقی اسلام به دلالت آیات قرآن و روایات معصومین، رویکردی کامل و محور آن نیز «انسان» و تکامل این موجود برتر در مسیر «اجتماع» است، بنابراین و بدون

در ادبیات کیفری، علاوه بر این دو واژه گاهی اوقات نیز از لفظ سجن و ندامتگاه استفاده می شود. زندان یا ندامتگاه در زبان فارسی اسم محلی است که محکومین به مجازات سالب آزادی در آن نگهداری می شوند و مسامحتاً به محل نگهداری هر دو دسته محکومین و متهمین هم گفته می شود و شاید از این جهت که زندانی در زندان از کرده خود نادم و پشیمان می شود به این محل ندامتگاه نیز گفته اند (۱۰) قانونگذار در آیین نامه اجرایی سازمانهای زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۹۴ در تعریف زندان مقرر می دارد: «محلی است که در آن محکومانی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقام های صلاحیت دار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به طور دایم به منظور تحمل کیفر و با هدف حرفه آموزی، بازپروری و بازسازی نگه‌داری می شوند». اصولاً حبس پس از محاکمه و به موجب حکم دادگاه به عنوان مجازات در مورد افرادی اعمال می شود که مرتکب یکی از جرائم پیش بینی شده در قانون محکوم گردیده و به طور قطعی مجرمیت آنها ثابت شده و محکومیت پیدا کرده باشند و زندان محلی است که اشخاص محکوم به مجازات سلب آزادی یا متهمان و یا محکومان کیفری با قرار و یا حکم کتبی مقامات صلاحیتدار قانونی موقت یا برای مدت معین یا به طور دائم در آنجا نگهداری می شوند؛ نظر به این که بخشی از آمار جمعیت کیفری را نیز افراد تحت بازداشت موقت تشکیل داده و همچنین کاربردی تر نمودن این رساله؛ نگارنده زندان را به معنی اعم مدنظر قرار داده است و از این رو منظور از جمعیت کیفری در این رساله همه افرادی هستند که تحت قرار تأمین یا جهت تحمل مجازات حبس به زندان معرفی شده‌اند و همچنین افرادی که در اجرای قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ و ماده ۶۹۶ قانون مجازات اسلامی بخش پنجم به زندان معرفی شده‌اند؛ برخی از افراد نیز در انتظار اجرای مجازات های دیگری مانند قصاص و اعدام در زندان محبوس هستند.

۳. رویکرد شریعت اسلام نسبت به جرم

اندیشمندان اسلامی، جرم را تحت دو رویکرد مورد بررسی قرار داده اند:

الف) رویکرد عام

اگر چه در نظام حقوقی اسلام نیز همانند نظام های بشری و غربی، پیدایش و تکامل مقررات اجتماعی تابع نیازهای گوناگون انسان بوده است، ولی نحوه شکل گیری مقررات دینی در مقایسه با مقررات عرفی متفاوت است. در واقع شریعت اسلامی همچون طفلی که دوران تکامل خود را به تدریج سپری خواهد کرد، متولد نشده است، بلکه به صورت موجودی کامل و از جانب خداوندی حکیم و عالم به نیازهای انسان و بدون هیچ نقضی نازل شده است. رمز ماندگاری و پویایی نظام حقوقی اسلام، در همین جامعیت آن و یا انطباق و همسویی آن با فلسفه آفرینش، طبیعت و نیازهای اساسی و لاینفک انسان است (۱۱). شاهد این مدعا کلام خدا در آیه ۳۰ از سوره روم است. خداوند سبحان در این آیه می فرماید: «پس تو ای رسول (با همه پیروانت) مستقیم رو به جانب آئین پاک اسلام آور و پیوسته

<sup>1</sup> George Bernard Shaw

گردیده است که مجازات سارق را برای مرتبه اول، قطع دست راست، برای مرتبه دوم، قطع پای چپ و برای مرتبه سوم، زندانی شدن تا زمان مرگ تعیین کرده اند به طوری که شیخ حر عاملی و صاحب مستدرک بابی از ابواب کتاب خویش را تحت عنوان «باب أَنْ مَنْ سَرَقَ قَطَعَتْ يَدَهُ الْيُمْنَى وَإِنْ سَرَقَ ثَانِيَةً قَطَعَتْ رِجْلَهُ الْبُسْرَى فَإِنْ سَرَقَ ثَالِثَةً سُجِنَ مُؤَبَّدًا حَتَّى يَمُوتَ وَ يُنْفَقَ عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ فَإِنْ سَرَقَ فِي السَّجْنِ قَتْلًا» (۱۷) (۱۲۵). بر این اساس، اگر کسی چند بار مرتکب سرقت حدی شود، مجازات او در بار اول قطع دست و در بار دوم قطع پا و در بار سوم، حبس ابد می باشد.

از جمله در این روایت؛ امام صادق (ع) در حدیثی فرمود: «پس از دست، پای سارق قطع می شود و اگر باز سرقت کرد، دیگر چیزی از او قطع نمی شود ولی برای ابد در زندان می افتد و از بیت المال مخارج او داده می شود» (۱۷). در روایتی دیگر: «رَوَى الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَّابٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) فِي رَجُلٍ سَرَقَ فَقَطَعَتْ يَدَهُ الْيُمْنَى ثُمَّ سَرَقَ فَقَطَعَتْ رِجْلَهُ الْبُسْرَى ثُمَّ سَرَقَ الثَّالِثَةَ قَالَ كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) يُخَلِّدُهُ فِي السَّجْنِ» (۱۸). زراره از امام باقر (ع) درباره مردی که سرقت کرده و دست راستش بریده شده و سپس سرقت کرده و پای چپش قطع شده و پس از آن بار سوم سرقت کرده است، روایت می کند که حضرت فرمود: امیرالمؤمنین (ع) این فرد را در زندان برای ابد قرار می داد. بنابراین، حکم به حبس ابد در نوبت سوم سرقت، نزد امامیه، قطعی و اجماعی است (۱۹ و ۲۰). حالت بعدی زن مرتد است. زن مرتد در صورتی که از ارتداد خود توبه نکند: حبس زن مرتد، از مباحث فقهی و حقوقی مربوط به حقوق زندانی و درباره حکم زندانی کردن زن مرتد بحث می کند.

امامیه قائل به عدم قتل زن مرتد و حبس و زدن در اوقات نماز و توبه دادن شده‌اند و بر این قول اتفاق نظر دارند به گونه‌ای که جزء ضروریات دین به شمار می رود. اما درباره قبول توبه و آزادی وی از زندان اختلاف نظر وجود دارد. از میان مذاهب اهل سنت، حنفیه در این باره با شیعه موافقت در روایات آمده است: «علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن ابن محبوب، عن غیر واحد من اصحابنا، عن ابی جعفر و ابی عبد الله (علیهما السلام) فی المرتد یتتاب، فان تاب و آلا قتل، و المرأة اذا ارتدت عن الاسلام استتبت فان تاب و رجعت و آلا خلدت فی السجن و ضیق علیها فی حبسها» (۲۱ و ۲۰)؛ از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) روایت شده: از مرتد خواسته می شود توبه کند اگر توبه کرد رها می شود وگرنه او را می کشند و اگر زن از اسلام برگشت، از وی می خواهند توبه کند، اگر توبه کرد و بازگشت رها می شود وگرنه به زندان ابد با اعمال شاقه می افتد.

در روایت دیگر، «علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن بعض اصحابه، عن حماد، عن ابی عبد الله (علیه السلام) قال: لا یخلد فی السجن آلا ثلاثه: الذی یمثل؛ و المرأة ترتد عن الاسلام؛ و السارق بعد قطع الید و الرجل» (۲۱)؛ امام صادق (علیه السلام) فرمود: زندان ابد تنها برای سه نفر می باشد: کسی که مثله کند؛ زنی که از اسلام برگردد و دزدی که پس از قطع دست و پایش به دزدی دست زند. علاوه بر این روایت که از اعتبار سندی برخوردار می باشد روایات فراوان دیگری نیز در این خصوص وارد شده که مضمون آن مورد تأیید فقها بوده و بر آن ادعای اجماع شده است.

تردید باید انتظار داشت که این نظام عظیم الهی در نظریه خود نیازها و به تعبیر دیگر، حقوق هر دو عنصر را به طرز شایسته مورد توجه قرار دهد. البته، از آنجا که وجود و استمرار جامعه و سلامت آن در ظهور حقوق انسان و حمایت از آن، یک ضرورت اساسی تر و مقدم تری است، طبیعی است که نه تنها باید در شکل گیری اجتماع، زندگی دسته جمعی و حفظ سلامت و امنیت آن کوشید، بلکه هر وقت که حقوق و منافع فرد با نیاز عالی تر «وجود و استمرار جامعه» در نقطه مقابل یکدیگر قرار گیرند، به گونه ای که اصرار بر تأمین حقوق فردی، موجب اخلال در نظام اجتماعی شود، باید به طور موقت از اجرای حقوق فردی ممانعت شود (۱۴).

بدین ترتیب می توان نتیجه گرفت که اساس جرم انگاری در شریعت اسلام، مصالح و مفساد امور است و جرایم در واقع پشتوانه ای برای مصالح فردی و اجتماعی و محک ارزیابی رفتار هستند. به این معنا که هر تجاوز و تعرضی که به یکی از مصالح صورت گیرد، جرم تلقی می شود و حسب مورد مستحق مجازاتی از نوع حد، تعزیر، قصاص و دیه است. در تمام جرایم حمایت از مصالح مردم و دفاع مؤثر از آنها مورد اهتمام جدی قانونگذار (شارع) بوده است. امام غزالی، در کتاب «السمتصنی» علاوه بر اینکه هر نوع تجاوز به امور پنج گانه یاد شده را خلاف سعادت و رفاه ذاتی و واقعی انسان می داند، درباره ملاک جرم در اسلام می نویسد: «ملک جرم در اسلام تعدی و تجاوز به این اصول است که نیازها و ارزش های ضروری و اولیه انسان به شمار می روند و این عقیده ای است که نه تنها مسلمین برآند، بلکه از بدیهیات عقلی نیز محسوب می شود و هر خردمند بی غرضی می تواند بدان حکم کند» (۱۵)

#### ۴. کاربرد حبس در شریعت اسلام

همانطور که اشاره شد، در اسلام، کیفر زندان و حبس جز در موارد بسیار محدود اصالت ندارد. حتی مسلمانان در صدر اسلام برای زندانی کردن و به بند کشیدن، زندان یا محل نگهداری زندانیان نداشتند و چون در آن زمان وضع اجتماعی، گستردگی چندانی نداشتند لذا اسیران را یا در مسجد به طور موقت نگهداری می کردند، و یا آنان را در میان مسلمین تقسیم می نمودند که به نگهداری از آنها بپردازند ضمن اینکه به رعایت حقوق زندانی در آموزه های اسلام تأکید زیادی شده است (۱۶) در واقع در نظام دادرسی اسلامی، اسیران یا زندانیان نیز مانند مردم عادی دارای کرامت و حرمت انسانی بوده و حفظ حرمت انسانی و اجرای عدالت در مورد آن ها در بسیاری از آیات و روایات به چشم می خورد. در روایات جواز زندانی کردن به جرایم ذیل اختصاص داده شده است:

#### الف) حبس به عنوان مجازات حدی

در حقوق اسلام گاه حبس به عنوان مجازات حدی برشمرده شده است. واژه حد، گاه وصف جرم است و به معنای جرمی است که مجازات آن در شرع تعیین شده است و گاه وصف مجازات است و به معنای مجازاتی است که نوع و مقدار آن و گاه کیفیت آن در شرع تعیین شده است. مجازات حبس به عنوان حد در موارد زیر در روایات آمده است:

کسی که دو بار حد سرقت بر او جاری شده و برای بار سوم دزدی کرده است: روایات فراوانی در بیان مجازات سرقت حدی وارد

فرمود: این قاپیدن علنی است پس او را زدند و زندانی کردند. علاوه بر موارد فوق که به حبس به عنوان مجازات تعزیری در روایت تصریح شده بود، می توان از اطلاق روایاتی که به طور کلی انتخاب نوع و مقدار تعزیر را به صلا حدید امام گذارده، استفاده کرد (۲۳).

ج) حبس به عنوان اقدام تأمینی و امنیتی اصطلاح اقدامات تأمینی و تربیتی، یک اصطلاح نو پیدا در گستره کفرهای اسلامی در سالیان اخیر است. چه اینکه چنین اصطلاحی، در هیچ یک از منابع فقهی امامیه و حنفی، پیشینه ای ندارد. ولی با توجه به منابع فقهی، ماهیت و مبنای اقدامات تأمینی و تربیتی را می توان استنتاج نمود. ماهیت اقدامات تأمینی بدلیل نامشخص بودن نوع و میزان آن و هماهنگ شدن با مقتضیات زمان و مکان و تناسب با شخصیت مجرم، اوضاع و احوال ارتکاب جرم و تحولات اجتماعی ماهیتی تعزیری است. مبنای اقدامات و تدابیر تأمینی و تربیتی را نیز می توان حفظ مصالح فرد، جامعه، برقراری عدالت اجتماعی و از بین بردن حالت خطرناک بزهکار و پیشگیری از تکرار ارتکاب بزه دانست. مبنای شریعت عدالت در جامعه، ترکیه، اصلاح و تربیت نفوس، تأمین منافع و مصالح آحاد جامعه و دفع مفسده از ایشان است (۲۴). این مبنای، در اقدامات تأمینی وقتی محقق می گردد که حالت خطرناک فرد از بین رفته و از تکرار ارتکاب جرم، پیشگیری شده باشد. در پاره ای روایات حبس به عنوان اقدامی احتیاطی و برای جلوگیری از اموری چون فرار متهم و ... پیش بینی شده است. در واقع در این موارد، جرم شخص به اثبات نرسیده است اما شخص قابل حبس می باشد. برخی از این موارد عبارتند از:

۱- اگر کسی متهم به قتل باشد و ادله ی کافی بر اثبات این اتهام نباشد، تا شش روز حبس می شود و اگر در ظرف این شش روز اولیاء دم نتوانستند ادله ی کافی بیاورند به ادعای آنها رسیدگی شود و گرنه متهم آزاد می شود. در این زمینه از امام صادق(ع) نقل شده است:

«ان النمی (ص) کان یحبس فی تهمه الدم سته ایام فان جاء اولیاء المقتول ببینه و الاً خلی سبیله» (۲۱). پیامبر (ص) در اتهام قتل شش روز متهم را زندانی می کرد، اگر ظرف این مدت اولیاء دم ببینه آوردند (قاتل را مجازات م یکردند) و گرنه او را آزاد می کردند.

۲- حبس مجرم پیش از محاکمه و تا روشن شدن وضعیت در واقعه شهادت امیرالمومنین (ع) نمود می یابد. در قصه ضربت خوردن حضرت علی (ع)، ابن ملجم دستگیر شد. حضرت علی (ع) به امام حسن و امام حسین(ع) فرمودند: «احبسوا هذا الاسیر و اطعموه و اسقوه و احسنوا اساره، فان عشت فانا اولی بما صنع بی ان شئت استنذت و ان شئت عفوت و ان شئت صالحت و ان مت فذلک الیکم فان بدا لکم ان تقتلوه فلا تمثلوا به» (۲۵). این اسیر را حبس کنید و به او غذا و آب بدهید و با او در اسارت به خوبی رفتار کنید. اگر زنده ماندم خود می دانم که در مقابل کاری که با من کرد با او چه رفتاری کنم. اگر خواستم او را قصاص می کنم و اگر خواستم عفو می کنم و اگر خواستم مصالحه می کنم و اگر مردم او در اختیار شماست؛ پس اگر تصمیم گرفتید که او را بکشید مبادا او را مثله کنید.

حالت سوم، کسی که فردی را نگه داشته و دیگری او را کشته است. روایات فراوانی وارد شده است که مجازات ممسک را زندانی شدن تا زمان مرگ تعیین کرده اند. یعنی اگر کسی در قتل عمد، با نگه داشتن فردی به قاتل کمک کند تا او را به قتل برساند، ممسک در قتل محسوب و به حبس ابد محکوم می شود. از جمله روایت حماد بن عثمان از حلی از امام صادق (ع) است که فرمود: «قضی امیر المؤمنین (ع) فی رجلین امسک احدهما و قتل الآخر قال یقتل القاتل و یحبس الآخر حتی یموت غما کما کان حبسه علیه حتی مات غما» (۲۱). حضرت علی (ع) در مورد دو مرد که یکی از این دو شخصی را نگه داشته و دیگری او را کشته است فرمودند: قاتل قصاص می شود و دیگری حبس می شود تا از غم و غصه بمیرد همانگونه که مقتول را نگه داشت (و نگذاشت از خود دفاع کند) تا از غصه مرد لازم به ذکر است که امساک و اکراه و امر به قتل عمد، از زمره جرایم حدی به شمار می روند.

ب) حبس به عنوان مجازات تعزیری در پاره ای روایات حبس به عنوان مجازاتی تعزیری تعیین شده است که به قرار زیر است:

۱- مطابق روایت صحیحی ابی بصیر، اگر کسی مرتکب قتل عمد شود و فرار کند و به او دسترسی نباشد، از اموالش دیه گرفته می شود و اگر مالی ندارد، از اقاربش به نحو الاقرب فالاقرب دیه گرفته می شود و اگر اقاربی ندارد، امام دیه او را می پردازد زیرا خون مسلمان هدر نمی رود. در برخی نقل های این روایت آمده است که:

«ثم للوالی بعد ادبه و حبسی» (۲۲). یعنی بعداً هرگاه والی بر قاتل دسترسی پیدا کرد، او را ادب و حبس می کند. واژه ی ادب برای تعزیرات به کار رفته و مقصود آن است که حکومت او را به خاطر فرار کردن مجازات می کند. چون میزان حبس در این روایت نیامده است و به صلاح دید والی گذاشته شده است، این مجازات تعزیری به شمار می رود.

۲- در برخی روایات آمده اگر عده ای شریک در قتل باشند و اولیاء دم یکی را قصاص کند، بقیه شرکا باید به قصاص شونده دیه بدهند و علاوه حبس می شوند:

«عن فضیل بن یسار قال : قلت لابی جعفر(ع) عشره قتلوا رجلاً فقال: ان شاء اولیاءه قتلوهم جمیعاً و غرموا تسع دیات و ان شاؤوا تخیروا رجلاً قتلوه و ادی التسعه الباقون الی اهل المقتول الاخیر عشر الدیه کل رجل منهم قال: ثم ان الوالی بعد یلی ادبهم و حبسهم» (۲۱) «از فضیل بن یسار نقل شده که به امام باقر(ع) عرض کردم ده نفر مردی را کشتند (حکمشان چیست؟) فرمودند: اگر اولیای مقتول بخواهند همه ایشان را قصاص می کنند و نه دیه می پردازند و اگر بخواهند یکی از ایشان را انتخاب می کنند و او را قصاص می کنند و نه نفر باقی مانده به اولیای مقتول اخیر (قاتل قصاص شده) یک دهم دیه می دهند، هر یک از ایشان (باید یک دهم بدهد) فرمود: سپس والی ایشان را ادب می کند و حبس می کند».

۳- مورد بعدی سرقت تعزیری است. در روایت آمده است: «ان امیرالمؤمنین (ع) اتی برجل اختلس دره من اذن جاری قال: هذه الدغاره المعلنه فضربه و حبسه» (۲۰). مردی را که جواهری را از گوش کنیزی قاپیده بود نزد حضرت علی (ع) آوردند حضرت (ع)

خانواده به بار می‌آورد. یکی از تکالیف الهی که بر عهده یک مرد خانواده است، پرداخت نفقه عائله خویش است که این امر، امری واجب بر شمرده می‌شود، حال با کمی دقت در می‌یابیم که با زندان کردن یک شخص هم او از انجام تکلیف خود باز داشته می‌شود هم افراد تحت تکفل و واجب‌النفقه او از این نعمت محروم می‌شوند. در حالی که با اعمال مجازات‌های دیگر نظیر شلاق، هم شخص مجرم به سزای عمل خود می‌رسد، هم باعث عبرت دیگران می‌شود و هم وی به مسائل خانواده خود می‌رسد.

یکی دیگر از تبعات زندان ایجاد فقر عاطفی در خانواده است، این نکته مسلم است که یکی از حقوق فرزندان که بر عهده والدین است تربیت صحیح آنهاست در صورتی که با حبس و زندان کردن یک شخص هر چند که مجرم باشد، حکومت، فرزند این شخص را که یک فرد بی‌گناه است از بهترین حق خود که همان تربیت صحیح است محروم می‌کند و یا مسائلی از قبیل مسائل زناشویی که از سوی شارع مقدس چه بسا سفارشات مؤکدی هم در رابطه با این مسأله شده و آرامش یافتن زن و مرد به عنوان همسر در کنار یکدیگر که در سایه تمکین‌های خاص و عام به وجود می‌آید، و حال آنکه با زندان کردن یک فرد این مسائل هم خود به خود، خدشه‌دار و بعضاً منتفی می‌شود. یکی دیگر از بزرگترین تبعات مجازات زندان، هزینه بسیار سنگین و ایجاد ضرر به بیت‌المال مسلمین است. چرا که اداره‌ی زندان و مخارج زندانی‌های بی‌شماری در پی دارد که این هزینه‌ها و مخارج باید از بیت‌المال مسلمین تأمین گردد، هزینه‌هایی که می‌توان آنها را در راه آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، رفاه، امنیت و ... مسلمین صرف کرد. سرانجام با کمی تأمل در مباحث مذکور به خوبی به نتیجه می‌رسیم که چرا اسلام در باب مجازات‌ها به مجازات زندان اشاره گسترده‌ای ندارد و به صورت خیلی محدود، ذکر شده است. لذا تغییر تفکر حبس محوری در احکام کیفری مراجع قضایی در راستای کاهش استفاده از مجازات حبس ضروری است و باید مورد توجه قرار گیرد. این که امروزه در کشور ما به عنوان یک حکومت اسلامی مجازات‌های حبس با مدت زمان‌های طولانی که مثلاً در جرائم مربوط به مواد مخدر اعمال می‌شود به نظر می‌رسد که به دور از منطق اسلام و سیره حکومتی علوی می‌باشد و چه بسا این که در زندان‌های جامعه امروزی ما، جنبه بازدارندگی و اصلاح مجرمین بسیار کم رنگ به نظر می‌رسد، چرا که با وجود مجرمان خطرناک در کنار یکدیگر، متهمانی که هنوز مجرمیت آنها ثابت نشده است، محکومان مالی و مجرمان بدون سابقه و ...، کاملاً این هدف والای انسانی که همان اصلاح و تربیت و باز پروری مجرم است را منهدم و در کل این هدف را به بیراهه منحرف ساخته است. بنابراین نهادهای حاکمیتی باید تمام عوامل قانونگذاری و قضات دستگاه قضایی، علی‌الخصوص قضات جدید الورد به سیستم قضایی را مجبور به بازدیدهای متوالی از زندان‌ها کند و حتی شرایطی را فراهم کند که مدتی را هر چند محدود و کم، ایشان در زندانهای جامعه بمانند و از نزدیک با معضلات و تبعات این مجازات خانمان سوز آشنا شوند، تا در هنگام وضع قوانین و صدور احکام قضایی منجر به مجازات زندان، که اکثراً طبق نظر فقهای معاصر و عصر حاضر خلاف شرع دانسته شده است، با نگاهی منصفانه‌تر به این مسأله نظاره کنند، چرا که

این موارد برخی از مواردی بود که در روایات از حبس سخن به میان آمده است و به هر حال از موارد فوق مشروعیت اجمالی حبس به دست می‌آید.

### نتیجه‌گیری

هدف از مجازات در شریعت اسلام، اصلاح آدمیان، حمایت از آنان در برابر مفاسد، نجات آنان از جهالت، ارشادشان از گمراهی، بازداشتن ایشان از ارتکاب گناهان و جرایم و برانگیختن آنان به اطاعت از خداوند و فرمانبرداری از قانون است. کارکرد حبس به عنوان وسیله‌ای برای دور نگه داشتن خطر برای برخی از افراد در نظام فقهی اسلام کاملاً مشهود است که البته رویکرد اصلاحی به مجرمان در آن نماد بیشتری دارد. مجازات‌ها در شریعت اسلامی هرگز از مقدار ضرورت و نیاز در تأمین مصلحت جامعه تجاوز نمی‌کنند. همانطور که در این تحقیق نشان داده شد؛ در قرآن کریم و از دیدگاه فقهای امامیه زندان به عنوان یک مجازات شرعی، جز در موارد استثنایی از جمله برای سارق که چند بار سرقت کرده و زن مرتد، جایگاهی ندارد. از آیات و روایات چنین استنباط می‌شود که حبس به عنوان بازداشت موقت مرسوم بوده و تجویز شده است و طبق نظر اکثر فقهای چهار مورد را می‌توان مجازات دانست: کسی که فردی را نگه داشته و دیگری او را کشته است، کسی که برای بار سوم دزدی کرده است و دو بار حد سرقت بر او جاری شده است، کسی که فرمان به قتل دیگری داده و مامور او را کشته است و زن مرتد در صورتی که از ارتداد خود توبه نکند. وجه تشابه این مجازات‌ها حبس ابد بودن آن‌ها است. در واقع در فقه امامیه حبس غیرمؤبد شناسایی نشده است و تنها درباره تعزیرات که در دست حاکم است می‌توان احتمال به کارگیری حبس را شناسایی کرد. بنابراین در شریعت اسلام زندان مجازات اصلی محسوب نمی‌شود بلکه تنها در موارد استثنایی برای جلوگیری از ضرر و زیان‌های احتمالی ناشی از جرم به جامعه مورد استفاده قرار گرفته است و به عنوان یکی از مصادیق تعزیر، اقدامی تأمینی و تربیتی است و جنبه اصلاح، بازدارندگی و پیشگیری از جرم را دارد. مواردی هم که زندان به عنوان مجازات به کار برده شده است به عنوان یک ضرورت مطرح بوده و اساساً با منطق اسلام که سعی در پرورش روحی و روانی افراد جامعه دارد همخوانی ندارد. این در حالی است که قانونگذار ایران به استفاده وسیع از مجازات حبس گرایش دارد که منطبق با آموزه‌های غربی است. لذا به کارگیری زندان در این سطح، فاقد وجهت شرعی است و باید برای رفع این بحران به طور ریشه‌ای با برنامه ریزی صحیح و استعانت از تعالیم دینی و مذهبی که جوامع غربی از آن بی‌نصیب هستند؛ تلاش زیادی صورت گیرد.

یکی از دلایلی که در اسلام به طور گسترده به مجازات زندان سفارش نشده این است که مجازات زندان نه تنها مجازات فردی محسوب نمی‌شود بلکه مجازات یک خانواده به عمل می‌آید، چطور ممکن است به خاطر ارتکاب جرم از سوی یک نفر برای مدتی یک خانواده را از نعمت پدر و یا بعضاً از نعمت مادر محروم ساخت و حال آنکه این کار علاوه بر مجازات شخص تبعات گوناگون از جمله فقر مادی، فقر عاطفی و فقر فرهنگی را برای یک

14. Mohmsani S. Legislative philosophy in Islam, translated by Ismail Golestani, Tehran: Amirkabir publishing house; 2018; p.18.
15. Faiz A. Comparison and adaptation in general criminal law of Islam, Tehran: Publishing and advertising of Islamic culture and guidance; 2016; p.68.
16. Behnami S. Investigating alternative punishments of imprisonment, master's thesis in criminal justice and criminology, Islamic Azad University, central Tehran branch; 2011; p.31.
17. Nouri Tabarsi MH. Mustardak Al-Wasail, Qom: Al-Al-Bayt; 1993; p.125.
18. Ibn Babuyeh MBA. Man La Yahdara al-Faqeeh, Ali Akbar Ghafari's research, Qom: Islamic Publications Office affiliated with Qom Seminary Teachers Society; 1992; p.64.
19. Najafi MHB. Jawaharlal Kalam in the description of Sharia al-Islam, Tehran: Islamia; 2006; p.53.
20. Tousi MBH. Tahdeeb al-Ahkam, Tehran, Dar al-Kitab al-Islamiya; 1998; p.437
21. Kilini Razi IJMY. Usul Kafi, translated by Mohammad Bagher Eskmoi, Tehran: Al-Maktab al-Islamiya; 1990; p.256.
22. Horamali MBHBA. Details of Shia's means to study Islamic matters, Qom: Al-Al-Bayt Institute (peace be upon them); 1873; p.273.
23. Haji Dehabadi A. A reflection on the punishment of imprisonment in the Islamic legal system, studies of Islamic jurisprudence and law. 2013; year 3, number 4.
24. Bagan S, M A. Jurisprudential and educational measures with an emphasis on the Islamic Penal Code. Jurisprudential and Philosophical Studies. 2013; 5th year, number 17.11.
25. Hamiri AIJ. Qorb al-Asnad, Qom: Al-Bayt Institute (peace be upon him); 1991; p.67.

بسیاری از عاملان قانونگذاری و قضات دستگاه قضایی هیچ گونه اطلاعی از داخل زندان و مشکلات به بار آمده از این مجازات نسبت به خانواده زندانیان ندارند. همچنین، اگر قصد اعمال مجازات حبس بیش از حداقل را بر مرتکب دارند، پیشنهاد می شود حتماً دلایل افزایش مجازات حبس بیش از حداقل قانونی را در دادنامه قید کنند و الا این موضوع علاوه بر تخلف انتظامی درجه ۴ برای مقام قضایی، از موجبات نقض دادنامه در مرجع عالی خواهد بود.

## References

1. Kalantri K. The crisis in Iran's criminal law and ways to get out of it, doctoral dissertation, Tarbiat Modares University; 2002; p.323.
2. Moin M. Farhang Farsi Moin, Tehran: Amirkabir; 2012; p.623.
3. Dekhoda AA. Dekhoda Dictionary, Tehran: Tehran University Press; 2014; p.478
4. Noorbha R. General criminal law, 5th edition, Tehran: Ganj Danesh publishing house; 2008; p.125.
5. Goldouzian I. General criminal law, first volume, Tehran: Tehran University Press and Publications; 2013; p.211.
6. Walidi MS. General Criminal Law, third volume, Tehran: Oraman Press; 1987; p.13.
7. Mousavi Khomeini SR. (1358). Tahrir Al Wasila, Qom: Dar Al Alam Press Institute; 1979; p.117.
8. Froutan SH. The rights of prisoners in international law, Master's thesis, Islamic Azad University, Central Tehran; 2012; p.136.
9. Al-Mavardi AA-H. (B.T.A.). Al-Ahkam al-Sultaniya, Qom: Ismailian; 2002; p.263.
10. Hosseini Nik H. Crisis in Iran's criminal policy, master's thesis, Islamic Azad University of Tehran; 2011; p.18.
11. Khosrow Shahi GH, Daneshpajhou M. Philosophy of Law, Qom: Publications of Imam Khomeini Educational and Research Institute (RA); 2018; p.11.
12. Tabatabai SMH. Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran: Mohammadi Publications; 2015; p.282.
13. Shaw GB. Islam is the future religion of the world, translated by Hadi Khosrowshahi, Tehran: Nesl Javan Publishing House; 2015; p.26.